

معیار شناخت میان حق و باطل



دکتر هادی رستگار مقدم
پژوهشگر و مدرسین

باطل دارای یک معنای منفی است و حق یک معنای اثباتی و مثبت را داراست، بنابراین باطل در برابر حق هیچ حقیقتی ندارد و اساسا باطل یک امر نیستی خواهد داشت. اما چرا درباره آن سخن گفته می‌شود و در قرآن کریم و دیگر نصوص دینی و روایات از باطل یاد کرده و از آن سخن گفته‌اند؟ ازسوی دیگر در عالم، هر چیزی مظهر و نشان از یک حقیقت والا دارد. حق مظهر خدای تعالی است، بلکه خود خداوند متعال، حق است، چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «ذلک بائاً... هو الحق»(الحج/۶۷). پس آنچه در مقابل خدای تعالی باشد، آن باطل خواهد بود، چنان که در ادامه آیه شریفه می‌فرماید: «وَأَنْ مَّا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ»(الحج/۶۷)، یعنی هرآنچه از ناحیه غیرخدای متعال خوانده می‌شود، همان باطل است.

اگر حق با راه راست و راه مستقیم مقایسه می‌شود، باطل با راه انحرافی و راه سقوط مقایسه خواهد شد. حق اگر مظهر خدای تعالی است، باطل مظهر چیزی است که در برابر حق و خدای تعالی قرار گرفته است. پس حق، خدای تعالی است و باطل، شیطان خواهد بود. چگونه شیطان خود منشا هر شری شد؟ و چگونه او مظهر باطل شد؟ امام علی^(ع) درباره شیطان می‌فرمایند: «ای مردم! از کاری که حق تعالی با شیطان کرد، با وجود اینکه عمل طولانی و تلاش بی حد انجام داده بود، باید عبرت و پند گیرید، چون شیطان ۶هزار سال خدای تعالی را عبادت کرد که معلوم نیست از سال‌های دنیایی بوده است یا از سال‌های اخروی، و این بطلان عمل شیطان به‌خاطر لحظه‌ای کبر و خودبزرگ بینی صورت گرفت.»(نهج‌البلاغه/ خطبه قاصعه، صفحه ۲۸۷). عبرتی که در این سخن پندآمیز دیده می‌شود، این است که حتی شیطان که جزو ملأئکه بود، به‌خاطر لحظه‌ای کبر و غرور از جاده حق خارج شد، به‌طوری که خود مظهر باطل گردید. اصلا چون عمل شیطان از مسیر حق، منحرف و عمل طولانی او باطل شد، باطل دربرابر حق قرار گرفت. پس باید متوجه شد که اگر به‌سمت شیطان میل کردیم، باطل است و اگر به‌سمت حق متمایل شدیم، حق ظهور می‌یابد. همچنین باید دانست در عالم دنیا و عالم مادی، قبل از آنکه روح از این بدن مادی، جدا و به جایگاه ابدی سوق داده شود، همواره دو ندا وجود دارد، یکی ندایی که از ناحیه حق به گوش جان می‌رسد و دیگری ندایی است که از طرف شیطان در نفس‌آماره انسان‌ها زمزمه می‌شود. اگر ندای حق را اجابت کنیم، راه حق را پیموده‌ایم و اگر به ندای شیطان توجه نشان دهیم، مسیر باطل را خواهیم پیمود و پیمودن راه باطل، نتیجه‌ای جز آنچه برای شیطان پیش آمد، دربر نخواهد داشت. پس از کجا باید فهمید که مسیر باطل پیموده می‌شود یا در راه حق پیمایش می‌شود؟ دو نشانه وجود دارد که باید بسیار بر آن مراقب بود، یکی اینکه چون شیطان از درگاه الهی رانده شد، از خدای تعالی درخواست کرد که تا روز محشر به او مهلت دهد و جان او را قبض نکند ولی خدای تعالی مهلتی را که به او داده است تا زمان مرگ است و این از باب رحمت عامه خدای تعالی است. این مهلت را چرا خدای تعالی به شیطان داده است؟ به نظر می‌رسد چون در آخرت، شیطان جایگاهی جز دوزخ ندارد و ازسوی دیگر براساس فرمایش حضرت امیرمؤمنان^(ع) ۶هزار سال خدای تعالی را عبادت کرده بود، مزد عبادت او را در همین دنیا به او داده است تا در آخرت چیزی برای او از ثواب باقی نماند. این عمل حق تعالی باید ما را هوشیار نگه دارد که اگر دیده می‌شود دنیا از هرسویی درهای خود را به روی ما گشوده است، باید این ظن را ایجاد کند که مبادا عمل انسان همانند عمل شیطان باشد که در همین دنیا عوض آن داده می‌شود و اگر چنین است، این یک نشانه خواهد بود که مسیری که پیموده می‌شود، مسیر باطل خواهد بود، البته این بدان معنا نیست که هر که دنیا به او روی آورده است، مسیر باطل را می‌پیماید، بلکه ممکن است خدای تعالی به‌دلیل ایمان و تقوا، بخشی از ثواب فرد را در همین دنیا به او عطا فرماید. نکته دیگری که یک نشانه است. عبارت است از اینکه شیطان اعمال انسان را برای خودش زینت می‌دهد. گاهی انسان برای کاری که انجام می‌دهد، دلایلی را اقامه می‌کند که کارش درست است، هرچند آن کار ضد آنچه خدای متعال فرمان داده است، بوده‌باشد. آیه شریفه می‌فرماید: «زُيِّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَغْمَالَهُمْ، شیطان اعمال آن‌ها را برایشان زینت می‌دهد.»(الانفال/۴۸). پس گاهی انسان‌ها عملی را آن‌چنان زینت می‌دهند که گویی درست است، درحالی‌که خلاف تمام قوانین و فرمان‌ها و احکام الهی است، همانند دستورها و برنامه‌هایی که گروه‌های تندرو یا رسانه‌های معاند دینی طراحی می‌کنند و برای مؤمنان، آن کارها را درست و صحیح جلوه می‌دهند. این نکته بسیار ظریف است و باید با دقت فراوان بدان توجه شود.

بردار و بخوان

۷۲آموزه عاشورایی

چندین سال از حادثه عاشورا گذشته بود، اما هنوز زمزمه آن واقعه درمیان مردم می‌پیچید، حتی با فشار و خفقانی که حکومت ظلم و جور زمانه بر مردم تحمیل کرده بود. فرزندان و نوادگان امام حسین^(ع) از آن روز بسیار یاد می‌کردند و به هر بهانه‌ای از مقام والای شهادت در راه خدا سخن می‌گفتند، اما من این‌ها را از کجا می‌دانم؟ از آخرین کتابی که در ماه محرم هدیه گرفتم، کتاب «هفتادودو آموزه عاشورایی» نویسنده کتاب، حجت الاسلام‌والمسلمین شعبی، ۷۲روایت را بیان کرده است و به‌تناسب موضوع روایت درباره واقعه عاشورا اطلاعاتی به مخاطب می‌دهد. در صفحه ۸۹ کتاب می‌خوانیم:

«روزی ابوبصیر از امام‌باقر^(ع) سؤال کرد: مردی که برای دفاع از مالش مبارزه می‌کند، آیا اجر شهید دارد؟ امام فرمود: پیامبر خدا^(ص) فرمودند کسی که در راه دفاع از مالش کشته شود، شهید است. ابوبصیر پرسید: آیا جنگیدن با دزد، جایز است؟ امام پاسخ دادند: اگر نجنگد، مانعی ندارد... امام‌صادق^(ع) نیز فرمودند: کسی که دادخواهی کند و در آن راه کشته شود، شهید است.»

همچنین صاحب جواهر می‌نویسد: مانند این روایت، روایتی دیگر از امام‌باقر^(ع) است که از ابومریم سؤال می‌کنند: آیا می‌دانی دادخواهی چیست؟ ابومریم پاسخ می‌دهد: فدایت شوم! اینکه فردی در راه دفاع از خانواده و اموالش و مانند آن کشته شود. امام‌باقر^(ع) می‌فرمایند: ای ابومریم! شناخت حق، از فقه به‌شمار می‌آید. اشاره‌های این گونه در سؤال و جواب‌های مختلف درباره دادخواهی، حق‌طلب و مقام شهادست و در بیانات معصومین بعد از قیام عاشورا به‌وفور پیدا می‌شود.

در زیر نام کتاب آمده است: «دستورالعمل‌هایی در باب سبک زندگی اسلامی: شامل رهنمودها و احادیث مختلف حضرت ابی‌عبدا...الحسین (علیه‌السلام)». این توضیح سه شمایسی که می‌خواهید بررسی کنید آیا این کتاب، نیازهای شما را تأمین خواهد کرد یا نه، کمک می‌کند. حجت‌الاسلام‌والمسلمین شعبی در مقدمه اثر این‌طوری گوید: «این کتاب حاوی هفتادودو پیام از سالار شهیدان جهان به‌عنوان آموزه‌های عاشورایی است که درباره هرکدام به شرح کوتاهی پرداخته‌ایم تا دست‌ما‌یه ناچیزی باشد برای محققان و مبلغان عاشورایی». چه بخواهید این کتاب را برای دست یافتن به گاهی جدید به واقعه عاشورا و دست‌یافتن به‌فقهی متفاوت از روایات و احادیث برای خود تهیه کنید و چه قصد داشته باشید آن را هدیه کنید.

شماره ۱۴

شماره ۷
مهر ۱۳۹۵
شماره ۱۴

۱۴



مشارکت

بررسی ویژگی‌هایی که منجر به شهادت می‌شود

زندگی به سبک شهدا؛ خیلی دور خیلی نزدیک

حمیده ذاکری/ شهید یک واژه نیست، بلکه مجموعه‌ای از صفات والا است. معنای این جمله را می‌توان در کلام رهبر معظم انقلاب یافت. آنجا که می‌فرمایند: «عنوان شهید یک عنوانی است که نباید از آن آسان عبور کرد. در کلمه «شهید»، مجموعه‌ای از ارزش‌های دینی و ملی و انسانی نهفته است... اما مسائل دینی، اولین چیزی که شهید به یاد انسان می‌آورد، جهاد فی‌سبیل... است. شهید در راه خدا حرکت کرده، مجاهدت کرده، به شهادت رسیده. شهید مظهر ایمان صادق است: صدقوا ما عاهدوا!... علیه فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ» (۱) این همان «قَضَىٰ نَحْبَهُ» است، مظهر عمل صالح است. چه عملی اصلح از رفتن در راه خدا و تقدیم کردن همه وجود خود، همه هستی خود به این راه؟ ایمان صادق، عمل صالح. این جنبه دینی که حالا در همین کلمات کوتاه، دنیایی از معارف نهفته است. معارف ملی، شهید و شهادت از جمله چیزهایی است که هویت ملی را برجسته می‌کند و رتبه هویت ملی را بالا می‌برد.» (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره شهدای استان قم. ۱۴۰۱/۸/۸). بر این اساس، با جست‌وجوی ویژگی‌های شهیدان می‌توان به الگو و فرمول انسان کامل دست یافت، انسانی که خدا، رسول او و امامان معصوم^(ع) از او خشنود هستند و به زندگی جاودان دست یافته است. بر همین اساس در ادامه، مرور می‌کنیم برخی ویژگی‌های برجسته یاران امام حسین^(ع) را که از والامقام‌ترین شهدای تاریخ هستند.

یقین و باور قلبی

به عقیده کارشناسان، یکی از ویژگی‌های مهم یاران امام حسین^(ع)، یقین و ایمان قلبی آنان بود. با بررسی سخنان آن‌ها در واقعه عاشورا درمی‌یابیم که یاران این امام بزرگوار به هدف خود ایمان کامل داشته‌اند. در این زمینه می‌توان به‌این سخن سعیدبن عبدا...حنفی خطاب به امام^(ع) توجه کرد. آنجا که می‌گوید: «به خدا سوگند، اگر بدانم که کشته می‌شوم و بار دیگر، زنده می‌شوم و آن گاه زنده‌زنده، سوزانده و قطعه‌قطعه می‌شوم و هفتادبار دیگر این کار با من تکرار می‌شود، از تو جدا نمی‌شوم تا در راه تو بمیرم. چرا چنین نکنم؟ کشته شدن که تنها یک‌بار است و پس از آن، کرامت بی‌پایان همیشگی است.» و نیز سخن زهیربن قین که می‌گوید: «به خدا سوگند، آرزو دارم که کشته شوم و دوباره، زنده شوم و باز، کشته شوم و تا هزاربار، این گونه کشته شوم و خداوند با این کارم، کشته شدن را از تو و از این جوانان خاندانت، دور کند!»، به‌گفته کارشناسان، این سخنان بیانگر استواری ایمان آنان و حرکت در پرتو نور یقین است.

خداباوری و رضا

کسب رضایت خدا و همچنین تسلیم دربرابر امر الهی، یکی از خصوصیات امام حسین^(ع) و یارانشان است، چنان که حضرت هنگام خروج از مدینه، تسلیم شدن خودشان در برابر قضای الهی را چنین بیان فرمودند: «پروردگارا! من به رضای تو، راضی و دربرابر امر تو، تسلیم هستم و در مقابل قضای تو، صبر خواهم کرد، ایشان در خطبه‌ای که هنگام خروج از مکه و حرکت به‌سمت عراق خواندند، نیز چنین فرمودند: «آنچه خداوند به آن خشنود است، ما اهل بیت نیز به همان خشنودیم». به عقیده کارشناسان، این جمله نشان‌دهنده مقام رضا در اهل‌بیت^(ع) است، مقامی که یارانشان نیز درپی کسب آن بودند و با بذل جانشان به‌سمت آن شتافتند.

عشق به امام و ولایتمداری

یکی از ویژگی‌های مهم یاران اباعبد...، محبت مثال‌زدنی آن‌ها به امام حسین^(ع) به‌عنوان مولا و پیشوایشان بود. بسیاری از مسلمانان عصر امام حسین^(ع) به آن حضرت ارادت داشتند، اما محبت اصحاب امام^(ع)، محبتی همراه با معرفت و شناخت بود، در حدیثی از امام محمد باقر^(ع) چنین نقل شده که اسلام بر پنج پایه نهاده شده است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت و برای مسلمان هیچ کدام از این‌ها مانند ولایت، فراخوانده نشده است.

بصیرت و آگاهی به زمانه

یکی از ویژگی‌های یاران حسین‌بن‌علی^(ع) بصیرت است. در زیارت اربعین حضرت سیدالشهدا^(ع) می‌خوانیم: «خداوندا! او خون پاک قلبش را در راه تو بذل کرد[و جانش را فدا نمود] تا بندگانت را از جهالت و حیرت و گمراهی نجات دهد». به‌گفته کارشناسان، یکی از عوامل پیدایش عاشورا، جهل است. امام حسین^(ع) قیام کردند تا در مقابل این جهل به مبارزه برخیزند، جهلی که به‌دلیل بی‌بصیرتی مردم به‌وجود آمده بود و تمیز ندادن بین جبهه حق و باطل، ناشی از همین جهالت بود. شناخت شهدای کر بلا آن قدر عمیق و نافذ بود که در دورانی که حق با جهالت پوشانده شده بود، دریافتند که امام حسین^(ع) برحق است و بنی‌امیه، راه باطل را طی می‌کند. در این زمینه در روایتی آمده است که نافع‌بن‌هلال در شب عاشورا وقتی حضرت سیدالشهدا^(ع) یارانشان را آزاد گذاشتند که برگردند، گفت: «یا آبا عبدا...!ا علی نیانتا و بصائرنا، ما همچنان بر انگیزه‌ها و بصیرت‌هایمان، پایدار و باقی هستیم». این موضوع خیلی مهم است.

توجه به حق‌الناس

موسی‌بن‌عمیر از پدرش نقل می‌کند که امام حسین^(ع) در روز عاشورا به من فرمودند: «میان همه یارانم اعلام کن هرکه دثنی برعهده دارد، با من کشته نشود، زیرا من از رسول خدا^(ص) شنیدم که فرمود: هرکه از دنیا برود و دثنی بر ذمه داشته باشد، از حسنات وی در فردای قیامت برداشته می‌شود». در نقل دیگری آمده است که عمیر انصاری گفت: «امام به من فرمود: میان مردم اعلام کن هرکه بدهکار است، در رکاب من پیکار نکند، زیرا هرکه از دنیا برود درحالی که دینی برعهده‌اش باشد که چاره‌ای برای آن نکرده باشد، گرفتار دوزخ می‌شود». کارشناسان باتوجه به این روایت، ازسویی به عظمت امام حسین^(ع) پرداخته‌اند که در بحرانی‌ترین شرایط، حتی به بدهکاری‌های اصحاب و یاران خود به مردم، توجه می‌کنند و راضی نمی‌شوند بدهکاران همراه ایشان پیکار کنند و شهید شوند مبادا حقوق مردم از دست برود و ازسوی دیگر، این روایت را نشان‌دهنده اهمیت حق‌الناس دانسته‌اند. بر این اساس، اگر می‌خواهیم شهدا را الگو و سرمشق خود قرار دهیم، همچون مولایشان باید متوجه اهمیت حق‌الناس و پرداخت دیون دیگران باشیم.